

روایتی هنرمندانه از مسئله مسئولیت

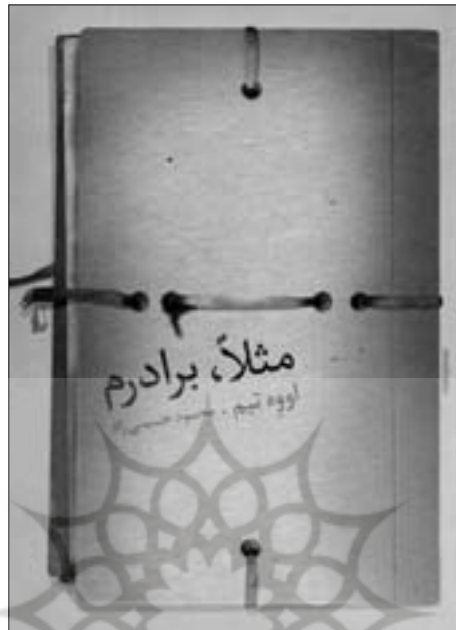
فرّخ امیر فریار

بی‌آنکه میان آلمانی‌ها و دشمنانشان در جنگ تفاوتی بگذارد می‌کوشد پرسشهایی اساسی مطرح کند. «وقتی دربارهٔ درد و رنج می‌نویسی، وقتی در مورد قربانیها می‌نویسی، باید بررسی چه کسانی عامل این درد و رنج‌اند، باید بررسی گناه قربانی چیست، باید بررسی این بی‌رحمی و مرگ چه دلایلی داشته. مثل همان روایتی که طبق آن فرشته‌هایی هستند مأمور ثبت خلافها و رنجهای بشر؛ کمترین کارها این است که شهادت بدهی.»

ا. جی. پی. تیلر موزخ بر جستهٔ انگلیسی در کتاب **ریشه‌های جنگ**

جهانی دوم کوشش کرده است تا با رهایی از پیشداوریها و براساس اسناد و مدارک به تحلیل آنچه واقعاً روی داده و دلایل آن بپردازد. او نکات قابل تأملی را در کتابش مطرح کرده است. از جمله می‌نویسد ما در مورد تفسیر رفتار دولتهای خود، بلندنظری و گذشت خاصی به کار می‌بریم که آن را شامل رفتار دیگران نمی‌کنیم. مردم هیتلر را شریر می‌دانند و سپس برای شرارت وی دلایل و شواهدی ارائه می‌کنند که در مورد دیگران آن نشانه‌ها را به کار نمی‌برند. تیلر می‌نویسد پیش از جنگ به جای اینکه به اعمال هیتلر توجه کنند به سخنانش گوش می‌دادند. پس از جنگ هم می‌خواستند بدون توجه به اسناد و مدارک، هرگونه تقصیری را به گردن او بیندازند. به گفتهٔ او وظیفهٔ موزخ این نیست که بگوید چه می‌بایست انجام می‌گرفت؛ تنها وظیفهٔ او این است که دریابد چه اتفاقی افتاده و به چه دلیل. تا زمانی که ما به انتساب هر چیزی به هیتلر ادامه دهیم حقایق زیادی کشف نخواهیم کرد. وی بیشتر از هر چیز مخلوق تاریخ آلمان بود. بدون حمایت و همکاری مردم آلمان هیتلر چیزی به حساب نمی‌آمد. صدها هزار مردم آلمان دستورات شیطانی وی را بدون تردید یا پرسشی اجرا می‌کردند. او دستورهایی صادر کرد که از حیث شمامت در تاریخ تمدن بشر نظیر ندارد و مردم آلمان هم این دستورات را اجرا کردند.

اتفاقاً بحث اصلی اووه تیم نیز در کتابش همین مسئلهٔ مسئولیت آلمانی‌هاست در آنچه اتفاق افتاده است. اما روایت او هنرمندانه است.



مثلاً برادرم. اووه تیم. ترجمهٔ س. محمود حسینی‌زاد. تهران: نشر افق، ۱۳۸۷. ۱۶۸ ص. ۲۳۰۰۰ ریال.

جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ آغاز شد و در سال ۱۹۴۵ خاتمه یافت. در طول این جنگ ۷۰ میلیون نفر به صفوف ارتش پیوستند که ۱۷ میلیون نفرشان کشته شدند. از هر ۲۲ تن روسی، ۲۵ تن آلمانی، ۴۶ نفر ژاپنی، ۱۵۰ نفر ایتالیایی، ۱۵۰ تن انگلیسی، ۲۰۰ نفر فرانسوی و ۵۰۰ تن امریکایی یک نفر کشته شد.

در طی بیش از ۶۰ سالی که از خاتمهٔ این جنگ می‌گذرد، وقایع آن مضمون شمار فراوانی داستان، نمایشنامه، فیلمنامه و سریالهای تلویزیونی بوده است. خصوصاً فیلمها، چون عمدتاً خصلت سرگرم‌کننده و تا حدودی نیز تبلیغی دارند، معمولاً کمتر به ژرفکاوی دربارهٔ جنبه‌های مختلف این فاجعهٔ عظیم پرداخته‌اند از جمله اینکه اساساً چگونه فردی مثل هیتلر پیدا می‌شود و گروه عظیمی از مردم آلمان گوش به فرمان او می‌شوند.

مثلاً برادرم نوشتهٔ نویسندهٔ شصت و هشت سالهٔ آلمانی اووه تیم که یک سال پس از آغاز این جنگ به دنیا آمده است، پنج سال پیش در آلمان منتشر شده است. تیم برادری داشته که مدت کوتاهی در جبههٔ جنگ با روس‌ها جنگیده، معلول و سپس کشته شده است. پس از مرگش یادداشتهای بازمانده از او را به خانواده‌اش می‌دهند. اووه تیم سالها بعد این یادداشتهای را می‌خواند. یادداشتهای شرح موجزی است از وقایع جنگ و حال و هوای جبهه. این یادداشتهای او را به تأمل وادار می‌دارد و حاصل این تأملات کتاب حاضر، **مثلاً برادرم** است که در واقع شرح خلاصه ولی گویایی است از گوشه‌هایی از زندگی یک خانوادهٔ آلمانی هنگام جنگ و پس از آن.

ویژگی کتاب این است که نویسنده پرسشهایی را پیش کشیده و مسائلی را مطرح کرده که خواننده را به تأمل وادار می‌دارد. **مثلاً برادرم** حکایت با نتیجه نیست. تلاش فردی است که با نگاهی انسانی و

وی می‌نویسد که اکثریت مردم آلمان با رژیم هیتلر همکاری کردند و بعداً در توجیه رفتار خود گفتند که کارهای نبوده‌اند و تنها دستورات را اجرا کرده‌اند. از آنچه می‌گذشته بی‌خبر بوده‌اند و داشته‌اند وظیفه‌شان را انجام می‌دادند. نکته شگفت‌انگیز این است که تنها عوام و توده‌ها نبودند که در خدمت رژیم نازی قرار گرفتند، بلکه اکثریت عظیمی از نخبگان جامعه کمر به خدمت این رژیم بسته و چشمشان را بر بسیاری چیزها بستند.

«هیچ عاملی هم – نتیجه‌گیری نومیدکننده هم همین است – مانع انجام آن اعمال غیر انسانی توسط انسانها نمی‌شد، نه تحصیلات، نه فرهنگ و نه به اصطلاح معنویات.»

«موردی که افسرهای بازجوی امریکایی را شگفتزده کرد، این بود که این نظامی‌ها هیچ‌کدام بی‌سواد سنگدل نبودند، مردهایی بودند تحصیل‌کرده، اهل ادبیات و فلسفه و موسیقی، که – کاش این طور نبود، اما – به موسیقی موتزارت گوش می‌کردند، هولدرلین می‌خواندند. به امر ناحق آگاهی کامل داشتند و به همین خاطر دست به هر کاری زده بودند تا کارهایشان را مخفی نگه دارند.»

«همه فقط دستورات را اجرا کرده بودند. از سرباز صفر گرفته تا ژنرال فیلد مارشال کایتل که در برابر دادگاه نورنبرگ گفت تقصیری متوجهش نیست، او فقط مجری دستورات بوده.»

اووه تیم براساس یک پژوهش صورت گرفته می‌نویسد اظهارات سربازها و افسرهایی که در برابر دادگاه سخن گفته بودند، ثابت می‌کند که همه این سربازها و افسرها می‌توانستند از دستور تیرباران غیرنظامیان یهودی، مردها، زن‌ها و بچه‌ها تمرد کنند بدون اینکه ترسی از مجازات‌های انضباطی داشته باشند. اما از یک گردان ۵۰۰ نفره تنها ۱۲ سرباز جلو آمدند و اسلحه‌شان را تحویل دادند و وظایف دیگری به عهده گرفتند.

طُرفه آنکه در مواردی واکنش مردم عادی انسانی و منطقی بوده: «مادر بزرگ پدری‌ام، زنی قاطع، یک بار که برای آویزان کردن پرده‌ها روی نردبانی ایستاده بود، با همان پرده‌های شسته و هنوز خیس زده بود توی گوش عمویم که می‌گفته کاری که با یهودی‌ها می‌کنند هیچ ایرادی ندارد.»

«مادرم به سیاست علاقه‌ای نداشت، اما از خودش می‌پرسید که مقصر کی بود؛ نه اینکه با پُرسشهای مکرر خودش را عذاب بدهد، ولی به این فکر افتاده بود و می‌پرسید: چه کار می‌توانستم بکنم، چه کار باید می‌کردم؟ می‌گفت حداقل سؤالش را مطرح کنیم. چه بر سر دو همسایه یهودی آمده؟ حداقل می‌شد این سؤال را پرسید نه فقط از خود، بلکه از همسایه‌ها هم پرسید، در واقع از همه پرسید. وقتی می‌توانیم علیه چیزی جبهه بگیریم که از آن صحبت کنیم.»

ریچارد تورلو در کتاب **فاشیسم** می‌نویسد جنایات هراس‌انگیز نازی‌ها قابل چشم‌پوشی نیست. اما تعیین گستره نفوذ افکار نازی‌ها در جامعه آلمانی و تأثیری که این افکار بر رفتار مردم داشته مشکل‌تر است. شواهد حاکی از آن است که دامنه آموزه‌های نازی در جامعه آلمان وسیع‌تر از آن بوده که آلمانی‌ها جرئت به یادآوردن آن را داشته باشند. قدر مسلم آن است که عدم مقاومت مُسجم سیاسی مردم

آلمان در برابر نازیسم نه به خاطر قدرت مطلق بود که به گشتاپو نسبت می‌دادند، بلکه در درجه اول به سبب هراسی بود که گشتاپو از طردشدن در دل آلمانی‌ها به وجود آورده بود؛ زیرا گشتاپو توانایی لازم برای نظارت بر کارهای همه افراد را در اختیار نداشت و کارآمدی آن داستانی بیش نبود. تورلو اتفاقاً به نامه‌های سربازان آلمانی که از جبهه شرق به وطن می‌فرستادند (نظیر برادر اووه تیم) اشاره می‌کند و می‌گوید این نامه‌ها نشان می‌دهد که آنان آموزه‌های نازی در مورد دسته‌های آسیایی بلشویسم را با وفاداری آویزه گوش کرده بودند. انگیزه اصلی کسانی که با نازی‌ها همدستی می‌کردند نه هم‌رنگ شدن با آنها بود نه تأثیر نظریه نازی‌ها.

روایت کتاب خطی و برحسب زمان نیست. از جایی به جایی و از زمانی به زمانی می‌رود. بیان تیم نرم و خالی از خشونت است. البته برخی چیزهایی که او نقل می‌کند به خودی خود آنچنان تکان‌دهنده است که دیگر لازم نبوده نویسنده آنها را تشدید کند.

«باید به بوتلیس باخر بگویم، پارتیزان‌ها را صدمتری پنجره‌ام به دار نکشد. صبح‌ها چشم‌انداز قشنگی نیست.»

«باران خاکستر باریده و همه جا را تیره و تار کرده بود. و این خاکستر تمام آن چیزهایی را در خود داشت که آن مردم طی سالها پس‌انداز و جمع کرده بودند. تمام آن چیزها به رنگ خاکستری چرک روی موها نشسته بود و روی پیراهن‌ها.»

«... پدران ما نه فقط از جنبه نظامی، بلکه با تمام تصورات ارزشی خود، با تمام شیوه‌های زندگی خود، بلاشروط تسلیم شده بودند. بزرگ‌ترها مسخره به نظر می‌آمدند؛ با وجودی که آن بچه هنوز قادر نبود برای این موضوع دلیل قابل درکی پیدا کند، اما تنزل مقام پدرها را درک می‌کرد... زندهایی که خُم شده بودند تا ته سیگار دور انداخته سربازهای امریکایی را بردارند.»

در کنار این مسائل، نویسنده به برخی مسائل خانوادگی‌اش نیز پرداخته است که یکی از دلنشین‌ترین و در عین حال غم‌انگیزترین آنها زندگی خواهر اوست. خواهرش فردی در حاشیه بوده و اووه تیم می‌گوید که همیشه او را با چشم‌های پدرش نگاه کرده بود. برادرش که از جبهه نامه می‌نوشته کمتر حرفی از خواهرش می‌زده و همیشه سراغ او را که برادر کوچکتر بوده می‌گرفته است. در دوران زندگی چند مرد سر راه او قرار می‌گیرند و قرار بوده که با آنها ازدواج کند ولی ازدواجش با هیچ کدام سر نمی‌گیرد. تنها در سالهای پایانی عمر با پیرمردی که از آشنایانشان بوده دوست می‌شود. چیزی که آن را «شادی زندگی‌اش» خوانده بود.

موضوع جالب توجه دیگری که نویسنده مطرح می‌کند تفاوت برخورد در آلمان شرقی با آلمان غربی بر سر مسئله به قدرت رسیدن هیتلر است. در آلمان شرقی با نگاهی ایزاری و کوتاه بینانه میان فریبکار و فریب خورده تفاوت گذاشتند و نشان دادند که کاپیتالیست‌ها فریبکار بودند و کارگران فریب خورده. به این ترتیب مسئله مسئولیت مشترک در به قدرت رسیدن هیتلر و اعمال و جنایت‌هایش تبدیل شد به مسئله‌ای طبقاتی، که دلایلش هم در منافع اقتصادی نهفته بود. طرز تفکرهای مبتنی بر خودکامگی،

رفتارهای پدرسالارانه و ارباب رعیتی مورد تردید قرار نگرفتند. برعکس، دولت سوسیالیستی به این خصوصیات به عنوان خصیصه مثبت پروسی نگاه می‌کرد.

برادر تیم دفتر یادداشت خود را با این عبارت پایان می‌دهد: «در اینجا یادداشت‌هایم را تمام می‌کنم، چون به نظرم معنی ندارد وقایعی به این وحشتناکی را که گاهی اتفاق می‌افتد، ثبت کنی.» و تیم می‌پرسد آیا این شناخت که وقایعی به این وحشتناکی را نمی‌توان ثبت کرد، شامل نیروهای دشمن و قربانیها هم می‌شود؟ شامل سربازهای روس و غیرنظامیهای روسی؟ یهودی‌ها؟ اووه تیم می‌نویسد در یادداشت‌های روزانه برادرش نه اظهار نظرهای ضد یهود هست و نه تشبیهاتی از آن دست که در نامه‌های سربازها از جبهه دیده می‌شود: فرومایه‌ها، کثافت‌ها... از طرف دیگر جمله‌ای هم وجود ندارد که بیانگر نوعی همدردی باشد، نشانه‌ای از انتقاد به اوضاع، نشانه‌ای از تغییر عقیده‌ای ناگهانی. این یادداشتها

بیانگر نوعی نابینایی مقطعی است که هراس‌آور است. فقط چیزهای معمولی ثبت می‌شود. اما تعجب‌آورتر رسیدن به این بصیرت است که درباره وقایعی به این وحشتناکی نمی‌توان در دفتر خاطرات نوشت. و سرانجام این تأملات، به همراه خواندن گزارشها، کتابها و اسنادی درباره این دوره چنین تأثیری بر تیم می‌گذارد:

«منی که متعلق به نسلی‌ام که حق نداشت گریه کند - مرد که گریه نمی‌کند - گریه می‌کنم. انگار که باید تمام آن اشکهای فرو داده را بیرون بریزم. انگار که باید گریه کنم برای ندانستن، برای نخواستن به دانستن مادرم، پدرم، برادرم. گریه کنم برای آنچه که می‌توانستند بدانند - باید می‌دانستند. دانستن در همان معنی زبان آلمانی باستان، از ریشه دیدن، پی‌بردن. آنها نمی‌دانستند، چون نمی‌خواستند ببینند، چون نگاه بر می‌گرداندند. برای همین هم ادعای مکررشان مُحق جلوه می‌کند: ما اصلاً نمی‌دانستیم. نمی‌خواستند ببینند، نگاه برگردانده بودند.»



دوست کتابداری و شرکت خدمات اطلاع‌رسانی کتابدار

- انتشار کتاب‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی.
- تهیه و توزیع نامی کتابهای کتابداری و اطلاع‌رسانی.
- نمایشگاه و فروشگاه دائمی کتاب با تخفیف ویژه دانشجویی ۲۰٪ درصد.
- تهیه، تولید و توزیع کتب نوزاد و تجهیزات کتابخانه‌ای.
- انتشار مجله الکترونیکی، بانک اطلاعاتی و خدمات اینترنتی از طریق وب‌سایت کتابدار.
- برگزاری دوره‌های آموزشی در حوزه‌های کتابداری، اطلاع‌رسانی و سازماندهی اطلاعات.
- خدمات مشاوره و راه‌اندازی کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی و سازماندهی اطلاعات.

Address www.ketabdar.org

تلفن: ۸۸۹۷۹۵۶۱ دورنگار: ۸۸۹۷۹۵۶۰

تلفن همراه: ۰۹۱۲۱۷۶۵۱۲۵ / ۰۹۱۲۱۸۸۲۵۸۱

پست الکترونیکی: Mohseni@Ketabdar.org



کتاب خورشید

هایکو چیست؟

چگونه است که این قالب سه‌سطری می‌تواند شاعرانگی حیرت‌انگیزی در خود داشته باشد که به همین نام در شعر جهان جایفتد و نمونه‌هایی غیر ژاپنی از آن سروده شود؟

صد و یک هایکو

انتخاب جکی هاردی، ترجمه پگاه احمدی

چاپ دوم

فروش مستقیم بدون هزینه پستی

www.ketab-e-khorshid.com
info@ketab-e-khorshid.com
 فروش الکترونیکی: www.iketab.com

کتاب خورشید: تهران، صندوق پستی ۳۴۸-۱۴۳۳۵
 تلفن: ۸۸۷۲۲۲۲۴ دورنگار: ۸۸۷۲۱۰۹۹